

زبان فارسی یکی از ارکان هویت ملی



روزنامه نگار و مدرس ویراستاری
علیرضا حیدری

ستایش زبان فارسی همواره در کلام رهبری
ششیده شده است و ایشان زبان فارسی را یکی از
ارکان هویت ملی مردم ایران قلمداد کرده‌اند و در
دیدار با اعضای مجمع بین‌المللی استادان زبان
فارسی در دی‌ماه سال ۱۳۷۴ تعبیری دارند که:
«زبان فارسی کلمه طیبیه‌ای است و اصل ثابته
دارد و انتظار می‌رود که روزبه‌روز پیشرفت کند و
چراغ‌ها روشن‌اند. از این زبان استفاده‌های فراوانی
راه می‌آید.»

به راستی که اگر ملت‌های هویت‌نذاشته باشد، چیزی برایش نمی‌ماند. و زبان فارسی برای ما مهم‌ترین کارکرد هویتی دارد؛ دو زبان دیگر هیچ‌گونه ایمنی را به بشریت هدیه کرده‌اند و به پشتوانه این محور فرهنگی و مولانا و دیگر شخصیت‌های مهم اطلاع‌رسانه‌های بیگانه قرار دارد. احیا و ملی و فرهنگی‌مان را تقویت کنیم.

از آن زمان که در ۱۲۹۴ هجری قمری دانشگاه‌ها، برآکن‌رشد و پارک‌های جدید و فناوری‌های نگاه به می‌ی‌گویند: «هویت ایرانی یک چیز عجیبی است کسانی که به ایران تهاجم کردند به یک نحوی، سبذنی حل شدند، نداشتان. آداب‌شان، فرهنگشان، سستی‌شان، اسلام است که اسلام آمد ایران و شد، ماندن و ایرانی، اسلام را ازین بدان قبول کرد، مورد تهاجم عرب‌های مسلمان، هرچا رفتند اند؛ مصر زبانش عوض شد، فلسطین زبانش ت زبانش عوض شد، زبانش عربی شد. [آنها ایران شد، فارسی‌ای ماند؛ یعنی یک چیز عجیبی است صوصیتی است که مال کشور ماست. اینجا هم هویت ایرانی کار خود را کرد.»

به زبان فارسی در روزگاری که در حوزه جغرافیایی امروزه شده، اهمیت بیشتری یافته است. بی‌گمان، فارسی این ظرفیت را دارد که یک فرد را به وطن، چنان‌که «بوی جوی مولیان»، «امیر سامانی» را بخارا کشاند. امروز هم این زبان هنوز می‌تواند ریشه‌زبانان را با تاباند.

های اجتماعی با چالش‌های هویتی قومی دست
یاز فضای مجازی و رسانه‌های اینترنتی اتفاقاتی
که جهان را از حیطه همبستگی اجتماعی با خطر
ت. در چنین شرایطی، هویت و همبستگی می
زبان مهم‌ترین مؤلفه این هویت‌زایی است.
باور داریم که زبان فارسی زبانی قدرتمند است
نیهم. توانایی این را دارد که دوشادوش زبان‌های
توانمندی جهانی حضور یابد. این هویت به وجود
نریه به دلیل توانایی ذاتی زبان فارسی و این ظرفیت
ند کارساز و انگیزا را باشد. نکته‌ای که در کلام رهبر
اعضاء فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ماه
شده است: «هر زبانی که سعه نفوذ آن زیاد است
با خود فرهنگی را حمل می‌کند. کاری که امروز
ما راگز و سلطه طلب می‌خواهند با خرچ‌های زیاد
های فراوانی در دنیا انجام دهند. زبان فارسی آن
می‌خوش کرده است»

یمی تعبیر بسیار ستایش آمیزی درباره زبان فارسی پایان بخش این قسمت باشد. «این زبان بهشتی، بامعراج، قدرتمندانه و زبان پارسی و عربی است، ی نیرومند و نافذ و استواری هستند، بدون هیچ ن. خوش آهنگ ترین، عمیق ترین، ریشه دارترین، یون ترین، رنگین ترین، حسی ترین، غنی ترین و دنیاست.»



هوشنگ مرادی کرمانی:

شبی که کتابم را تمام کردم داشتم دیوانه می شدم

ی کرمانی می‌گوید: شبی که «شما که غریبه
م کردم داشت دیوانه می‌شدم.
نمی‌تستید» زندگی‌نامه خود نوشت خالق
بوده است. او درباره نوشتن این اثر گفت: من
نام‌ها را صادقانه نوشتم و به نظر می‌رسد
ده‌ها است، چرا که به چاپ چهل‌م رسیده‌ام.
درباره اینکه چطور سخی زندگی او به‌جای
تخیل شده است، گفت: شبی که از این کتاب
میرم دیوانه می‌شدم، اما هیچ‌وقت از آنچه
من در آن دخیالت نداشتم خیالت نکشیدم.
م‌خواهدام من را در این باره حمایت کردند.
م‌کتاب را بنویسم حدود دوازده زندگی‌نامه
ترجمه عموها بهتر بود.

نا، این نویسنده در این رونمایی و امضای «ته‌خیار» و «شما که غریبه نیستید»، ضمن حضور ضابطیان و رضا خضایی که این دو کتاب را داده‌اند، می‌خواستم کتاب «شما که غریبه نیستم بخوانم، اما سن و سال این اجازه را نداد.

● کتابخوان شدن با «شما که غریبه نیستید»

سری، مدیر نشر معین که ناشر پانزده اثر از دی کرمانی است در سخنان کوتاهی بیان کرد: «زیر آسمان کشور و شهری نفس می کشم که مرادی کرمانی ها هم در آن نفس می کشند. که می خواهیم به کتاب های کرمانی معتاد غریبه نیستید» را به آنان معرفی می کنیم و با این اثر کتاب خوان کردم.

● به مرادی کرمانی حسودی ام می شود

د دوست، شاعر و نویسنده و نوجوان نیز در سخنان مرادی کرمانی گفت: من سودی ام می شود، چون بد. اما خوشبختانه او برای گ سالان می نویسد و ن و کسی نمی تواند او مقایسه کند می شود.

● می‌توان دبستگی مولانا به زبان فارسی را کتمان کرد علی‌رضا قیامی، به نیابت از محمد جعفر باحقی و مؤسسه فرهنگی خردسرای فردوسی، در آغاز این نمایش درباره اهمیت و جایگاه مولانا در ادبیات فارسی دقایقی چنین سخن گفت: «آنچه مولانا را بعد از گذر سالیان دراز بین جهانیان ویژه می‌کند، این است که او راز جهان هستی و صلح و مهرورزی را بیان کرده است، چیزی که در طول تاریخ کمتر کسی توانسته راز آن بگوید. اندیشه‌های او حدت بخش است و همین‌ها، او چه‌رای سرآمد ساخته‌اند. اگر قرار بود مولانا فقط در یک قالب سخن بگوید، سخنش این‌گونه در جهان شور و شیدایی ایجاد نمی‌کرد. مطلق اندیشی نیز در اندیشه او راهی ندارد و چنین شده است که سخنش برای همگان دلنشین است.» قیامی با فراغت شعر «چون نازی می‌گویم به‌گوشم را» بپایان رسانید و به جایگاه والای زبان فارسی نزد مولانا اشاره کرد: «مولانا می‌داند زبانی که می‌تواند عارفانه‌ترین و عاشقانه‌ترین زبان جهان قلمداد شود؛ زبان فارسی است. کسی نمی‌تواند دبستگی مولانا را به زبان فارسی بگیرد. او خودش این دبستگی را فریاد زده است»

● ما از اندیشه‌های مولانا بی‌بهره‌ایم و به آن محتاج

در ادامه این نشست، ابوطالب مقفاری، قاضی در «جامع‌الموسن» تنش‌زادی در حوزۀ زبان، ضرورت ملی در باافغانستان» سخن گفت با ذکر این نکته که: «من امروز در جایگاه یک شاعر فارسی‌زبان حرف نمی‌زنم، آواز موضعی عام تر سخن می‌گویم.»

بخشی از صحبت‌های این شاعر اهل افغانستان به شعر «در آواز» و زبان فارسی اختصاص پیدا کرد؛ گفت: «در پاسخ به این سؤال که من چرابه زبان فارسی سخن دارم، می‌توانم دلایل زیادی را ذکر کنم، اما آنچه برای من افغانستانی مهم است، یکی عشق به سرزمین وطنی است که امروز افغانستان می‌باشد و خوانمیش و دیگری عشق به مولانا است. زبان فارسی تاریخی دارد و پیشینه‌ای که همین امروز، از این فرهنگ نگهبانی می‌کند. پس وقتی به زبان فارسی علاقه دارم به مولانا علاقه دارم. چون منی خواهم مفاهیم عمیق مولانا را از دست بدهم. ما محتاج مولانا و از هایش هستیم. امروز تفکر مولانا زندگی‌کنندگان دیگری رفته و ما که فرزندان او هستیم هیچ بهره‌ای از تفکر او نداریم.»

● دعوا بر سر زبان کاملاً یک دعوای سیاسی است

تنش و جنگ در افغانستان، موضوعی بود که بخش دیگری از صحبت های مظفری را به خود اختصاص داد. او دو عامل را در افغانستان عامل تنش دانست. گفت یکی از این عوامل بحث بر سر زبان است؛ زبان همدین چند سال پیش دعوی این زبان فارسی و پشتو نبود. با گذشت زمان، اما استعمار آمد تا این منطقه را از اختیار مردمش درآورد و دعوی تاسونالیستی به راه

درهمایش بزرگداشت مولانا و یاسداشت زبان فارسی در افغانستان مطرح شد

زبان فارسی صدمه بیند همه اقوام صدمه می بیند



بکنیم. همان سیاست مغولی و ضدپارسی و ضدایرانی. امروز بر سرزمین ما هم حاکم شده است که من فارسی زبان دیگر نمی‌توانم با این زبان در آن کشور بروم. ملت‌ها داشته‌ها و شعر بنویسیم. مولانا یک فرد ناب و توانست دهم ما را از خود بکند. امروز بل که عاشق تبریزی و تهرانی و مشهدی بادل مولانا یکی شده، ولی هیچ یک از ما نتوانسته ایم مولانا را از خود بکنیم. ما که از یک جغرافیا بوده ایم، یک بنای یادبود آن چنانی برای او درست کرده نتوانسته ایم.

در حالی که فرعون ها و شداداهای ما در همان بلخ قصرها ساخته‌اند، همان مدرسه پدر مولانا را ما نتوانسته ایم درست بکنیم. یک چیزهایی هم اگر شده، خانه همین ایرانیان امروزی آباد که اگر مولانایی هم امروز ما افغانستان می‌می شناسیم، از حیث کارها و پژوهش‌ها و تلاش‌های سزادرمان ایرانی است که ما خیلی بیشتر التفات داشته‌اند. به مولانا، همه ما در روزگار مولانا ایرانی بوده ایم. و همین الان هم ایرانی هستیم. مولانا ایرانی را از این سبب بسازیم که هویت تازه گانه ترکی که برایش بر اساس معیار سیاسی می‌سازند از بین برود. مولانا افغان نبود. من این را خود به عنوان یک افغانستانی اعلام می‌کنم. »

● مولانا تا همیشه مولانای پارسی است

کیمیا تاج نیا، به عنوان آخرین سخنران این نشست در بخشی از صحبت هایش در این باب سخن گفت که اساسا یکی از دغدغه‌های مندی‌ها هم مولانا موضوع زبان است؛ «مواجهه شمس با مدح سخن، یعنی زبان و به ویژه زبان فارسی، یک مواجهه استراتژیک و کاملاً هوشمندانه است. شمس، میان مولانا و ادبیات منبرگونه مولانا فاصله می‌زند چون ادبیاتی است که مشخوّن است از تکلمات عربی و سنتی عربی. شمس است که تمهیدات باگشت مولانا به زبان سره پارسی و سنت رفتاری زبان فارسی یعنی سرایش شعر فارسی در مولانا فراهم می‌کند. مقالات شمس و اشعار مولانا نشان می‌دهد هیچان شهودی شمس و مولانابرای تبیین محتوا و معنای آن‌ها را از برپا داشتن به مادم محتوایی یعنی زبان و سخن غافل نگذاشته است. کماینکه گزاره‌های زیادی را می‌بینیم که شمس درباره ماهیت سخن حرف زده است. من معتقدم مولانا به استادان و اثر سرترش، نه بلخی است نه رویی. مولانا، مولانا پارسی است و تا همیشه مولانای پارسی باقی خواهد ماند.»

هچنین رونمایی از پنجاه و یکمین شماره فصل نامه «یاز» و ویژه نام افغانستان، با یادکرد استادان هجوز و ادبی و اوصاف باختری، رونمایی از نخستین شماره ادبی مولانا و اهدای جایزه و نشان به برندگان، اقراقت سنتی هیئت داوران به وسیله یامان حکمت (توسی آبادی) و اجرای موسیقی سنتی افغانستان توسط بنیاد امیر خسرو بلخی، بخش پایانی این رویداد را تشکیل داد.

از میان کتاب‌های کودک این فهرست ۲۵ تایی،
آنکه بیشتر فروخته است اثری است از داو
پیکلی. نویسنده مشهور مجموعه محبوب
«کاپیتان زیرشلاوری». تازه‌ترین اثر این نویسنده،
که داستانی دیگر از «سرکار هاپو» را روایت
می‌کند، زیر عنوان «بیست هزار شپش زیر
دریا» دارد.

این کتاب که بیش از یک میلیون نسخه فروخته در ایران نیز با استقبال بسیار خوبی روبه‌رو شده است. در حاشیه‌های گفتمانی است که این مشابهت بین فهرست و فروش‌های مجله امریکایی و فهرست مشابه ایران تا حدی طبیعی است؛ بالاخره، ذوق و سلیقه ما نیز متأثر از مطبوعات جهانی است، اما در این هماهنگی روزافزون نقش رسانه‌های غربی و تبعیت محض برخی ناشران و مترجمان ما از آن‌ها را نباید نادیده گرفت؛ مثلاً سرفاه شماری از دست‌اندرکاران بازار کتاب ایران سابقه به فهرست‌های همچون «نیویورک تایمز» یا فروش‌نامه‌هایی مانند «آمازون» چشم دوخته‌اند و در نتیجه -لاابد برای اینکه نمی‌خواهند یا نمی‌توانند خطر کنند- ترجمه کتاب‌های همان فهرست‌ها را چاپ و منتشر می‌کنند.

در اوست، در حالی که در زبان می مساعد نشده که ما به آن زیبایی شعر بگویم.»

باورر صحبت هایش را این گونه ادامه داد: «بعضی دوستان صحبت فارسی را در افغانستان ساده بیان می کنند. از نظر من این گونه نیست. من فارسی زبان و دردی گوی در افغانستان از سیاست پست و ناشایسته به اندازه ای صدمه می بینم و خود پشتوزبان های افغانستان بیشتر آسیب می بینند. اگر در تاریخ ادبیات پشتوزبان ها از این نوع شعرها به اندازه ای می بود که در شعر پارسی است، ایگاسی حاضر می شد خودش در میان جمعی از انسان ها متفجر بکند؟»

● زبان فارسی من پنجشیری و تو خراسانی را به هم پیوند می‌دهد

بارور گفت: «سیاستی که اقوام محلی را رواروی یکدیگر قرار می دهد، سیاستی نیست که دورن ما طراخی شده باشد. این سیاست از نیک دوردستی می آید و در اینجا هم من قربانی می شوم و هم برادر پشتون و هم زیبایی های که در این زبان وجود دارد. ای کاش زبان پشتو قابلیت این را داشت که به عنوان زبان کلی ما را افغانستان مطرح می شد و می توانستیم به این زبان دانشگاه علوم و تاریخ، مگر در زبان پشتو چند اثر است که می توانند آموزش و پرورش و ادبیات و علم و دانش تکافو بدهند؟ هیچی نداریم. از یک طرف افشاری بر یک زبان و از طرفی دیگر اینکه در پشتیبانی آن چیزی وجود ندارد. زبانی که شاهنامه هم منصفی گرفته تا فردوسی و حافظ و خیام و سیاست نامه و تاریخ نویسنده می گویم کاش دیگر من کفاف بکند که تنها کتاب های شاخص زبان فارسی را بخوانم. این راکنان محلی می گذاریم و می آیین یک زبان محلی و هویت محلی و یک سیاست محلی و ناشیانه را به عنوان سیاست ملی یک جغرافیا مطرح می کنیم که نه نظر من شدنی نیست و تا امروز هم نشده است.»

«در جغرافیای زبان فارسی تغییرات بسیاری اتفاق افتاده است، اما هیچ‌یک شده‌ایم. دري، فارسی، افغانستانی، ایرانی، مذهب و منافع و شناخت‌های ما تغییر کرد. اما یک چیز در بین ما ماند که عامل وحدت بخش ما بود؛ زبان فارسی که تا امروز مانده است و من پنج‌نژادی را تا تو خراسانی و مشهدی پیوند می‌دهد. هیچ منفعت مشترک دیگری نداریم. شما شیعه شده‌اید و ما همچنان بر سنت اجدادی باقی مانده‌ایم و احادیث و اجداد ما تنسند.»

● مولانا ایرانی است و باید هویت ترکی و سیاسی آن
از بین برود

این شاعر اهل افغانستان در بخش دیگری از صحبت هایش گفت: «مولانا همیشه مرا به یاد کوچ می اندازد. همان سیاستی که باعث شد مولانا وطن خود را ترک کند امروز باعث شده ما وطن خود را ترک

افتاد. اتحادیه جماهیر شوروی در موارد انهدو تعدادی از سیاستمداران افغانستان با کمک انگلیس این کار را کردند و این دوای بین قومیت های خردک ملت بود. این همدی خواستند این سرزمین را از بین هیرند و تیره جدا کنند. زبان تاجیکی، ازبکی، ترکمنی... به هیرند شکل ایجاد شد و این ها به جان هم انداختند به طوری که امروزه در سمرقند و بخارا کسی خودش فارانی زبان نمی داند. این دعوا در افغانستان توسط طری مطرح شد. انگفتن زبان فارسی خوب است، اما سودی برای ما ندارد و افغانستان به یک زبان وطنی نیاز دارد. تجزیه شروع شد و زبان فارسی با پشتونه قوی و تاریخی خود در حد یک زبان قومی فروکاست و در کنارش زبان های دیگر را در انداخت. این یک بحران سیاسی و کلاما استعماری است.»

ابوطالب مظفری، عامل دوم تنس در کشورش، بر جنگ قدرت دانست و گفت: «در سال های اخیر ما در افغانستان وارد یک جنگ شدید شدیم. یعنی ستمی که اقوام ما داشتند، ما را وارد کرد که دنبال رفاه این ستم ملی باشیم. اقوام مختلف تحت ظلم گفتند به ما حقوق شهروندی بدهید. این یک امر معقول است، اما در این بین توطئه ای راه انداختند که رفاه تبعیض ملی را تشدید کرد و گفتند اقوام افغانستان جدا شوند و اول باید آن را خارج کنیم. ما در ۱۲۰۰ قوم تقسیم کردند و در هر چند سال های دوران حکومت اشرف غنی کشور به ۸۵ قوم خرد تبدیل شده بود. زبان فارسی شد یک دعای سیاسی. در حالی که چنین چیزی اصلاً نباید برای زبان مطرح شود.»

او در انتهای صحبت هایش به دو نکته مهم دیگر اشاره کرد. یک آنکه باید آگاهی بیشتری بگیرد مبنی بر اینکه حفظ زبان فارسی به نفع دیگری اقوام نیز هست. ضمن اینکه استادان زبان فارسی در اینان باید به زبان در افغانستان و پاسداران بی نام و نشان فارسی که به خاطر حفاظت از آن تلاش کردند و سختی کشیدند توجه کنند. او گفت: «امروزه زبان فارسی در افغانستان محتاج یاری شمامست.»

● هم زیبایی، هم کمبود

تجیب بارور، شاعر اهل افغانستان که در این
همایش حضور داشت نیز بعد از اقبال مظهری
تجیب ترین آمد و با قیافه رابا شعر خوانی و صحبت
گذراند. او صحبت هایش رابا خوانش یک غزل به زبان
پشتو آغاز کرد و هدف پشت آن را چنین بیان کرد
«می خواستم بگویم ما در افغانستان، هم در زبان
پشتو و هم در زبان فارسی، زیبایی های داریم
و کمبود هایی. زیبایی های زبان پشتو همین است
که خواندم و دیدید. اما متأسفانه از حیث کمیت کم
است. کم است و اگر هم وجود دارد نایب ه گرفته
شده است. در حالی که من نظر من هم غزل هایی
در افغانستان است، همچنین. در زبان پشتو قالب
شعری به اسم لندی وجود دارد که زیباترین شعر ه

فارسی مختلف رمان های او، از جمله نسخه های انتشارات «اموت» دهه بار تجدید چاپ شده اند. اما شگفتی های بزرگ سال دو رمان ربکا باروس یعنی Fourth Wing و Iron Flame، بودند که به ترتیب حدود یک میلیون و دویست هزار و یک میلیون نسخه فروخته شدند. (هنوز ترجمه ای فارسی از این آثار در بازار ایران نیست.)

سومین زنی که کتابش در بین پر فروش های ۲۰۲۳

شریف شیرزاد | مجله خبری
«پابلیشرز ویکلی» (Publishers Weekly)
که اخبار نشر و بنگاه های
ادبی، را پوشش می دهد، در گزارشی،

که به تازگی منتشر کرده، آماری از کتاب‌های پرفروش سال گذشته میلادی به دست داده است که با توجه به بازار نشر در سال‌های اخیر شاید چندان عجیب نباشد، اما نکته‌های جالبی دارد.

در این میان، شمار نویسندگان زن و کتاب‌های کودک جالب‌تر به نظر می‌رسند. اگر فهرست ی‌فروش‌های این نشریه را با سیاهه کتاب‌های ی‌خواننده ایران بسنجیم، ماجرا جذاب‌تر هم می‌شود.

بنا به گزارش «پابلیشرز ویکی»، کالین هور که در ۲۰۲۲ عملکرد درخشانی داشت در ۲۰۲۳ نیز خوش درخشید. او با دو کتاب «ما تمامی می‌کنیم» و «و تو پی آن» «ما شروع می‌کنیم» در فهرست نویسندگان پرفروش جای می‌گیرد. کتاب دیگر وی، یعنی «حقیقت»، نیز فروش چشمگیری داشته است.

ین سه کتاب، در مجموع، بیش از سه میلیون و چهارصد هزار نسخه فروخته‌اند. هوور در کشور ما نیز هواداران پرشماری دارد، چنان‌که برگردان‌های

جای دارد، بانی گارموس است. رمان او، «درس های شیمی»، که چندین برگردان فارسی نیز از آن در دست است، بیش از یک میلیون نسخه فروخت. (البته اقتباس تلویزیونی ایل تی وی از آن در این میزان فروش تأثیر پسزایی داشته است).

باری، در حالی که هفده کتاب از ۲۵ کتاب اول فهرست پر فروش ها از آن نویسنده گان زن هستند، تنها شش عنوان ویژه کودکان اند.

